



باعث تاسفی عمیق است

غلامحسین کرباسچی، مدیر مسئول روزنامه هم‌میهن با حضور در کافه خبر خبرنگاران در نشست‌ی که به منظور شرح‌روایتی از عملکرد صداوسیما در جنگ هشت‌ساله تحمیلی برگزاری شد توضیحاتی در این رابطه ارائه کرد و گفت: «اگر کسی قصد نوشتن تاریخچه‌ای را از آن چه در دوران جنگ در صداوسیما گذشت داشته باشد نباید از مسئله‌ای مهم و قابل توجه به سادگی گذر کند؛ آن هم مسئله تفاوت صداوسیما در آن سال‌ها با اکنون.» وی ادامه داد: «واقعیت این است که اصل مطلب، ارتباط با مردم و جلب توجه و اعتماد آن‌هاست و کاری که صداوسیما باید انجام دهد مرتبط کردن نظام سیاسی با توده مردم است.» کرباسچی تأکید کرد: «صداوسیما در آن زمان منبع اصلی خبر و مورد اعتماد مردم بود؛ تا جایی که حتی روزنامه‌ها نیز به نسبت صداوسیما از برد آن چنانی برخوردار نبودند و بارها از زبان مردم می‌شنیدید که فلان مطلب موثق است چون از تلویزیون یا رادیو بیان شده است.» وی افزود: «این مردم و اعتمادشان سرمایه اصلی صداوسیما بودند و همراهی‌شان با صداوسیما ایداً با شرایط کنونی قابل مقایسه نبود. اینکه ما با رسانه‌ی مورد اعتماد مردم چه کردیم که چنین وضعیتی پیش آمد و به تبع به جای ما به سمت رسانه‌های دیگر رفتند، اسباب تاسفی عمیق است؛ آن هم رسانه‌هایی که طبیعتاً با منافع ملی ما همراه نیستند.»



مهلت استعفای داوطلبان انتخابات شوراها

محسن اسلامی، دبیر و سخنگوی ستاد انتخابات کشور با بیان اینکه انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا، یازدهم اردیبهشت ۱۴۰۵ برگزار می‌شود، گفت: «ستاد انتخابات کشور، ماه گذشته اطلاعیه‌ای صادر کرد و در آن اعلام شد که از ۲۱ تا ۲۷ مهر، زمان قانونی استعفای مقامات و مشاغل مشمول ماده ۴۱ قانون انتخابات شوراهای اسلامی است.» اسلامی یادآور شد: «ثبت‌نام از داوطلبان شوراهای اسلامی شهر از ۲۱ دی آغاز و تا ۲۷ دی ادامه خواهد داشت. زمان ثبت‌نام داوطلبان شوراهای اسلامی روستا را نیز ستاد انتخابات کشور در اطلاعیه‌ای جداگانه اعلام خواهد کرد.»



پیوستن به CFT خواست روسیه و چین بود

فریدون همتی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس شورا با اشاره به اهمیت همکاری با کشورهای چین و روسیه در شرایط تحریمی، گفت: «این کشورها به دنبال همکاری‌های مشترک با ما هستند و برای ادامه این همکاری‌ها، نیازمند پذیرش شروطی از سوی ما هستند.» وی اظهار کرد: «یکی از خواسته‌های اصلی این کشورها، پذیرش CFT با شروط مشخص است. با این شروط، همکاری‌ها و حمایت‌های بیشتری از سوی این کشورها به‌ویژه در زمینه مقابله با تحریم‌ها امکان‌پذیر خواهد بود.» همتی بیان کرد: «کشورهای دوست ما، تحریم‌ها را غیرقانونی می‌دانند و بر این باورند که باید مکانیزم‌های مشترکی برای مقابله با این تحریم‌ها ایجاد شود. در این راستا، کشورهایی مانند چین و روسیه بر لزوم پذیرش شروط مذکور تأکید دارند تا بتوانند به همکاری‌های خود با ما ادامه دهند.»

در همایش انجمن جامعه شناسی ایران بررسی شد

ظهور و سقوط جنبش‌ها

گروه سیاست: جنبش‌های اجتماعی در ایران، شکل‌گیری، موفقیت‌ها و شکست‌های آن محور بحث و گفت‌وگو دریکی از پِنل‌های همایش کنکاش مفهومی و نظری درباره جامعه ایران، با حضور علی مرشدی‌زاد استاد علوم سیاسی، حمیدرضا جلائی‌پور، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، محمد ملاعباسی استاد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی و مصطفی عبدی هشتروندی جامعه‌شناس بود. خلاصه‌ای از این پنل در ادامه می‌آید.

عکس: Gettyimages

جنبشی، ناجنبشی و در شرایط جنگی

روند تحولات جامعه ایران و افق اعتراضی آن

فروپاشیده نیست، و یکی از جریان‌های اصلی آن همین وقوع جنبش‌ها و ناجنبش‌ها است.

به پتانسیل بحرانی و اعتراضی جامعه ایران اخیراً دور خداد ۲۳ خرداد مهم به آن اضافه شده است و آن این که در ۱۴۰۴ یک «جنگ» دوازده‌روزه به ایران از سوی دو قدرت اتمی (اسرائیل-آمریکا) تحمیل شد و توقف آتش‌پیش فعلی موقت است. هم‌اکنون ضمن این که جمهوری اسلامی آماده دفاع از کشور است هر روز احتمال وقوع جنگ هست. دوم این که سه کشور غربی با فعال کردن مکانیزم انسپیک در شورای امنیت سازمان ملل، تحریم‌های قبل از برجام را دوباره علیه ایران فعال کرده‌اند. این وضعیت تحریمی و «در شرایط جنگی بودن جامعه» حتی خصیصه ناجنبشی بودن جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، و تا اطلاع ثانوی می‌توان از جامعه ایران به‌عنوان «جامعه بحرانی و در شرایط جنگی» صحبت کرد (که افق این وضعیت را در نوشته دیگری تحت عنوان «جنبش مهسا پس از سه سال و افق پیش‌رو» مورد بحث قرار داده‌ام).

باز به دو اتفاق دیگر شایسته است اشاره کرد. یکی تشدید حرکت‌های هویت‌طلب قومی در آذربایجان، کردستان و بلوچستان است (به نظر می‌رسد سرنگونی طلبان که مجیز به رسانه‌های ماهواره‌ای مورد حمایت اسرائیل هستند، در تحریک هویت‌طلبی قومی نقش ویژه‌ای دارند). اتفاق دیگر «حرکت‌های جمعی» دیجیتالی است. منظوم‌ر خداد «کارزارها» در فضای مجازی است که خوشبختانه تاکنون حکومت با این جریان تند و سخت برخورد نکرده، که ادامه این وضعیت خودراهی برای کاهش بهداشتی مطالبات جامعه‌است.

نکته مهم این که عللی که خیزش‌های اعتراضی ایران را (چه این اعتراضات را «جنبش» یا «ناجنبش» یا «پیش‌انقلابی» یا «در شرایط جنگی» بنامیم) توضیح می‌دهد، همچنان در جامعه حضور دارد (مثل بحران اقتصادی؛ کاهش ظرفیت خدمت‌رسانی دولت و...) و از این نظر جامعه ایران جامعه بی‌ثبات و نامتعینی است. به بیان دیگر زمینه‌های بحران ساز همچنان در جامعه کار می‌کند.

چه می‌توان کرد؟ به نظر من از منظر پتانسیل «اعتراضی و ناجنبشی و جنگی جامعه» ایران:

اول این که برای درمان این وضعیت اعتراضی پاسخ و داروی سریعی در دسترس نماند. درمان «جامعه اعتراضی» مثل درمان بیمار دارای زخم معده است که اگر بیمار دستورات پزشک را حتی کامل رعایت کند باز درمان طولانی است. ضمناً درمان جامعه اعتراضی ایران هم مشکل‌تر است. چون حکومت ایران به‌عنوان مهم‌ترین نهاد در جامعه ایران، اعتراضات مردمی را تقریباً ناشی از عملکرد خود نمی‌داند و بخشی از آن را ناشی از جنگ روایت‌های دشمن که بر رسانه‌های بزرگ مسلط‌اند می‌داند. به همین دلیل حکومت ایران همچنان از صداسیمای موجود (خصوصاً از غیر حرفه‌ای بودن بخش خبر آن) دفاع می‌کند. با این صداسیمای غیر حرفه‌ای بازار رسانه‌های خارج کشور، که در خدمت سیاست‌های ملی و ایرانی نیستند، گرم می‌شود.

دوم این که علی‌الاصول بهترین راه برای درمان طولانی مدت پتانسیل اعتراضی جامعه، پاسخ‌گویی به مطالبات جنبش‌ها و ناجنبش‌های جامعه ایران است، که متأسفانه ساختار سیاسی هنوز بصورت همه‌جانبه چنین آمادگی ندارد، مگر این که فشار از «واقعیت کف جامعه» به حکومت وارد شود. بهترین نمونه‌اش نحوه مقابله جمهوری اسلامی با موضوع پوشش اجباری در سال‌های گذشته بوده است. در صورتی که راه روشن تخلیه جنبش‌ها، پاسخ‌گویی به مطالبات آن‌ها است.

نگاه استادان



(البته کلیت ساختار در یک سال علامتی از تغییر را نشان می‌دهد مثل برگزاری انتخابات کمی رقابتی‌تر در ۱۴۰۳ یا توقف اجرای پوشش زنان و یا کنترل بحران سیاست خارجی از طریق دیپلماسی فعال‌تر؛ که متأسفانه با شرایط جنگی از سوی اسرائیل متجاوز روبه‌رو شده است).

سوم این که حل بحران سیاست خارجی در ایران فوق‌العاده مهم است. افزایش تهدیدات خارجی، و تحریم‌ها توان دولت را در ارائه خدمات عمومی (مثل دارو، برق، گاز، آب و...) ضعیف می‌کند و بر پتانسیل ناراضیاتی‌ها افزوده می‌شود. اینجا ما به عمل از نوع امام (ره) در رویارویی‌اش با قطعه‌نامه ۵۹۸ نیاز داریم. امام این تصمیم بزرگ را گرفت و پای مسئولیت آن هم ایستاد. البته در شرایط فعلی راه رسیدن به یک توافق عزتمندانه و پایدار با غرب «تسلیم‌طلبی» یا «ماجراجویی نظامی» نیست بلکه «افزایش استقامت چهاربعدی ملی» است (به معنای تقویت دفاع اطلاعاتی، امنیتی و نظامی کشور؛ دیپلماسی چندجانبه و فعال؛ افزایش پتانسیل خدمات‌رسانی پایه دولت و بالاخره کاهش شکاف مردم‌با حکومت).

چهارم این که بازار راه در مان پتانسیل «جامعه اعتراضی» انجام دو کار به صورت هم‌زمان است. حکومت که نمی‌تواند جامعه ناراضی را راضی کند ولی دو کاری که بوده نمی‌خواهد و می‌تواند انجام دهد (که البته اگر بخواهد) این است که: یکی این که نظام سیاسی به سمت «حکومت در برگریخته»، حکومت قانون و حکومت شایسته‌ترین حرکت کند، نه به سمت «حکومت گزینشی و حراستی». دوم این که انجمن‌ها، محافل، اصناف داوطلبانه در جامعه مدنی تقویت شوند. ضمناً اینکه هم‌اکنون که حکومت ایران نسبت به «منتقدان ادیکال» واکنش خشن نشان نمی‌دهد خیلی نیکو است. تضمین فضای آزاد در حوزه عمومی باطل السحر سخنان «شعاری» است.

پنجم این که آینده هیچ جامعه‌ای از جمله جامعه ناراضی ایران را نمی‌توان به‌صورت قطعی پیش‌بینی کرد. بیشتر می‌توان بر اساس روندها حدسیاتی را مطرح کرد. حدس من این است که در آینده اعتراضات بزرگ یا شورش‌ها در ایران رخ نمی‌دهد، اما می‌توان حدس زد که مثل گذشته هر روز در گوشه و کنار کشور شاهد «اعتراضات کوچک و غیرکوچک» باشیم. مهم این است که پلیس آن قدر کارآمد و مسئول باشد که در مواجهه با اعتراضات مردمی از دماغ یک نفر هم خون نیاید. هر شهروندی که در اعتراضات زخمی، با جانباخته یا زندان شود، غیر از این که غیراخلاقی و غیرقانونی است، بر ناراضیاتی‌ها هم افزوده خواهد شد. مهم‌ترین هدف دشمنان ایران (نه فقط جمهوری اسلامی) به آشوب کشیدن کشور از درون، با توسل به افزایش تحریم‌ها و خرابکاری داخلی و تشدید شکاف‌های قومی است. باز تأکید می‌کنم در مان دردهای جامعه اعتراضی و جنبشی و ناجنبشی و در «وضعیت جنگی» پاسخ‌های سریع ندارد. به صبوری و استمرار در جهت اجرای راهبردهای معقول نیاز دارد که به پنج مورد آن اشاره شد.

پی‌نوشت‌ها:

۱- از نظر آل‌تورن ظهور جنبش‌های اجتماعی جدید متناظر با وضعیت جامعه پس‌اصاعتی پس از دهه ۱۹۶۰ هست. وقوع این جنبش‌ها به‌شدت فردیت و کنشگری از یک طرف و عدم «دربرگیرندگی» دموکراسی پارلمانی از طرف دیگر، در جوامع پس‌اصاعتی بستگی دارد. او معتقد بود که جامعه‌شناسی کلاسیک (ساختارگرا) قادر به توضیح جامعه پس‌اصاعتی نیست و ما به جامعه‌شناسی دیگری به نام «جامعه‌شناسی کش» نیازمندیم (تورن، آلن، بازگشت کنشگر: نظریه اجتماعی در جامعه پس‌اصاعتی).

۲- در این رابطه اکثر کتاب‌ها و مصاحبه‌های آصف بیات به فارسی ترجمه شده و در فضای مجازی در دسترس است. مانند کتاب‌های «طبقه، سیاست و نظریه اجتماعی» و «انقلاب را زیستن».

۳- نگاه کنید به مدنی، سعید، جنبش‌های اجتماعی و دموکراتیزاسیون؛ همچنین صاحب‌مفصل اوباحسین رزاق در سایت زیتون در ۲۲ بهمن ۱۴۰۲.